

بی‌گما

شماره مسلسل ۳۷۹

سال بیست و چهارم

آذر ماه ۱۳۵۰

شماره نهم

بانو نصرت تجربه کار
دکتر در ادبیات فارسی

ادبیات ایران در قرن سیزدهم*

قرن سیزدهم هجری از قرن‌های بارور ادب و فرهنگ فارسی است تقریباً همانند نیمه اول قرن چهارم هجری. درست است که شاعران قرن سیزدهم بیایه شعرای بزرگ دوره محمود غزنوی نیستند. ولی انکار نمیتوان کرد که پس از چند قرن پژمردگی و بی‌اعتنائی، بوستان هنر و ادب تازگی و طراوتی از نو یافته است.

می‌دانیم که این عصر را بازگشت ادبی نامیده‌اند، باین معنی که بعد از ظهور شاعرانی چون کلیم و صائب که نازکی و بیچیدگی مضامین شعری بحدّ تمامی و کمال رسید، شاعران به بن‌بستی درشدند که، متوقف ماندند، و بناگزیر می‌باید از این بن‌بست بازگردند. راهنمایان رهائی از این بن‌بست چندتن از شاعران اواخر زندیه بودند

* خطابه ای است که در کنگره ایران شناسی دانشگاه مشهد (اردی بهشت ۱۳۵۰)

ایراد شده است.

که سادگی سخن را آغاز نهادند و به نظر می‌آید هاتفاصفهانی را مقدم بر دیگران باید شمرد. معروفیت هاتفا بیشتر بوسیلهٔ ترجیع بند بی نظیر اوست. صفت بی نظیر را در این مورد اغراق نباید پنداشت. می‌دانیم که شاعران استاد دیگر هم ترجیع بندهائی دارند که از جمله ترجیع بند سعدی از همه برتر شناخته شده، ولی باید در نظر داشت که ترجیع بند هاتفا ازین روی که نکاتی عرفانی در آن مطرح است، از ترجیع بند سعدی کمتر نیست. غزلیات این شاعر نیز بسیار با حال است و از روانی و سادگی بوی غزل‌های سعدی را می‌دهد.

همه جا به بی وفائی مثل اند خوب رویان

تو میان خوب رویان مثلی به بی وفائی

پس باید بحق و انصاف هاتفا را از پیشروان مؤثر بازگشت ادبی شناخت که شاعران را بساده‌گوئی سوق داده است.

از عوامل مهم و معتبر رواج شعر و ادب و دیگر فنون هنری در این عصر، علاقه و توجه پادشاهان این عصر است.

میدانیم از اوایل قرن سیزدهم تا نیمهٔ قرن چهاردهم یعنی در مدت يك قرن و نیم اندکی کمتر، هفت تن از قاجاریه در ایران پادشاهی کرده‌اند، که از این هفت تن چهار نفرشان شعر دوست، و خود شاعر بوده‌اند و دیوان دو تن از آنان بچاپ رسیده.

وقتی خریدار متاعی آن متاع را خوب بشناسد و بهائی مناسب بدهد، بدیهی است که بازار آن متاع گرم میشود. پادشاهان این عصر چون شعر و ادب را دوست داشتند و خوب می‌شناختند و به بهائی خوب می‌خریدند، از این روی در این دوره شاعرانی با نیرو، نیکوسخن و مؤلفینی دانشمند، و خطاطان و نقاشان و هنرمندانی چابک دست، پیدا شدند و قرن سیزدهم را در تاریخ ادب فارسی عنوانی ارجمند و جاودانی بخشیدند که نه تنها از نظر معنوی بل از نظر مادی هم موجب اعتبار و افتخار است.

برای نمونه، کتابخانهٔ سلطنتی را میتوان یاد کرد. این کتابخانه در زمان ناصرالدین‌شاه رونقی تمام یافته. نسخه‌هایی در این مخزن مقدس هست که بقول فردوسی

بی‌بهاست یعنی بهائی برای آن نمیتوان تعیین کرد، از جمله، نسخه خطی کتاب معروف هزارو یک شب است به قطع بزرگ و خط تستعلیق مرغوب با تصاویری بسیار عالی که هنرمندان آزموده جهان، از آمریکا و اروپا مخصوصاً برای دیدن آن می‌آیند، و ازین گونه نسخه‌ها در این کتابخانه کم نیست.

اولیای کتابخانه آستان قدس خوب میدانند که بیشتر نسخه‌های معتبر و خطی و مرغوب این کتابخانه مقدس نیز غالباً در قرن ۱۳ فراهم آمده.

شاعرانی که در این قرن ظهور کرده‌اند و آثاری از خود مانده‌اند بآسانی نمیتوان شماره کرد و نام برد. هرکس در این مورد بخواهد تحقیق کند باید همه تذکره‌های این عصر را از خطی و چاپی بدقت مطالعه کند، و تصوری رود تذکره نفیس مجمع الفصحاء تألیف مرحوم هدایت با اشتباهاتی که دارد باز از همه تذکره‌ها جامع‌تر و کامل‌تر باشد. از میان شاعران این عصر که شاید از ۳۰۰ تن بگذرند، عده‌ای شان دارای مقامی عالیند، و از این عده‌اند: فتحعلی خان صبا کاشانی - محمود خان ملک الشعراء - سروش اصفهانی - نشاط اصفهانی - قانچیرازی - وصال شیرازی - فروغی بسطامی - یغمای جندقی - شبانی کاشانی - میرزا حبیب خراسانی - سپهر کاشانی و دیگران.

در اشعار هر یک از این عده کیفیتی است که نمیتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد.

فتحعلی خان صبا بسیار نیرومند است، قصاید و مثنوی‌های خوب دارد، اما در قصایدش ترکیبات و مضامینی دور از ذهن و اصطلاحات و لغاتی ناهموار دیده میشود. مثنوی‌هایش لطیف‌تر است. در گلشن صبا قطعاتی اخلاقی دارد. شاهنشاهنامه صبا که ببحر متقارب است پخته و سنجیده و استادانه است.

سروش اصفهانی معلوماتش کم و خطش بسیار بد بوده، در اشعارش اشتباهات

لغوی و دستوری بسیار است اما طبع لطیف و غرای او این نقائص را تا حدی جبران کرده است و تغزلات خوب هم دارد.

وقت صبح مرغ چو آوا بر آورد خورشید نیکوان بر من ساغر آورد

نشاط اصفهانی دارای اطلاعات و معلومات عربی و ادبی است و چنین به نظر

می آید که از دیگر شاعران هم طراز خود فضایی بیش داشته ، نامه هائی به زبان عربی از او هست و چنانکه در مقدمه شاهنشاه نامه آمده ترکی هم می دانسته .

به عبارت دیگر به فضایی که در آن عصر معمول بوده آراستگی داشته و او مردی عارف و وارسته و خوش محضر بوده است ، غزلیات خوب دارد و همچنین اشعاری عرفانی . از بهترین غزل های او که معروف است این است .

در دل دوست به هر حيله رهى بايد كرد
طاعت از دست نيابد گنهى بايد كرد
محمود خان ملك الشعراى كاشانى از شاعران خوب و استاد این دوره است .
دیوان او که به چاپ رسیده از سه هزار بیت بیش نیست ، میگویند اشعار درجه دوم خود را خودش از بین برده و شسته است . و اگر همه شاعران ، این کار را می کردند تاریخ ادبیات ایران مختصرتر و بهتر میشد .

قصاید محمود خان ملك الشعرا بیشتر در مدح ناصرالدین شاه است و گاهی هم شاه را پند میدهد ، پندهائی که از شاعری مسکین به پادشاهی مستبد حیرت انگیز است !
می گوید :

تو کار ملك اى ملك به عادلان بازل
عنان دولت ممان در كف غدارها
شحنه دانا فرست شها بی بازار ملك
تا بتو ثابت کند فسون طرارها
و در مسافرت شاه قصیده ای عالی دارد :

دوست پاداش کجا یابد و دشمن کیفر
تا شهنشه نهد بر تن خود رنج سفر
حبیب الله قآنى از روانی و قوت طبع سرآمد شاعران این عصر است ، قآنى چون شعری را میگوید دیگر بار بآن مراجعه نمیکند که تصحیح کند ، همان است که هست ، قوت طبع قآنى را هیچ شاعری نداشته ، اصطلاحات و کلمات را هرچه در وهله نخست بذهنش میرسد از پی هم می آورد و بقدری استادانه بهم می پیوندد که اگر مثلاً بخواهیم کلمه ای را عوض کنیم نمی توانیم .

نمونه اشعار عرفانی قآنى این ها است :

چند خواهی پیرهن از بهر تن
تن رها کن تا نخواهی پیرهن

آنچنان وارسته شوکز بعد مرگ مرده ات را عمار آید از کفن
 یا : رسم عاشق نیست با يك دل، دودلبر داشتن
 یا ز جانان یا ز جان بایست دل برداشتن
 ناجوانمردی است چون جانوسیارو ماهیار
 یار دارا بودن و دل بسا سکندر داشتن

میرزا کوچک وصال معاصر فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بوده و در خط و نقاشی نظیر کم داشته؛ چنانکه فتحعلی شاه در تمجیدش فرموده، در هنر اسراف کرده. دیوان وصال بچاپ رسیده، غزلیاتی هم باقتضای سعدی و حافظ فرموده، بنظر بنده اگر از این پیروی چشم می پوشید بهتر بود، فرزندان وصال هم، هنرمند و شاعر و خط نویس بوده اند که برتر از همه شان داوری است.

فروغی بسطامی از غزل سرایان این دوره است. او مردی عارف بوده و بعد افراط در این زمینه غرور داشته. غزلیات او، که هم در پایان بعضی از نسخ دیوان قآنی و هم جداگانه چاپ شده، مشهور است.

یغمای جندقی از شاعرانی است که بیشتر به ادب و لغت فارسی توجه داشتند. مکاتیب او غالباً به فارسی سره است و قابل پیروی است. غزلیات خوب دارد که مضامین آنها تازه است. قطعات طیبیت آمیز او بسیار معروف است و همچنین مرثیاتی او در اوزان ابتکاری.

ابونصر شیبانی کاشانی از شاعران منتقد این دوره است. چون ناصرالدین شاه بجهاتی که در تاریخ هست از او دلخور بوده، او هم جای جای از اوضاع کشور انتقاد کرده، به خشونت و تندی، و باید لطف شاه را از این جا درك کرد که با این شاعر مدارا فرموده است.

محمد تقی، لسان الملك کاشانی از نویسندگان و شاعران این دوره است. اشعار لسان الملك لطفی چندان ندارد، هنر لسان الملك در نثر اوست که بی نظیر است و شاید هیچ مورخی به استواری و عیارت پردازی پیش از او تاریخ ننوشته باشد. در اینجا

به موضوع تاریخ سپهر یعنی (ناسخ التواریخ) که مشتمل بر مطالبی غالباً نادرست و بی‌مایه است نظری نیست. تحسین و تمجیدی از انشاء و عبارت پردازی آن کتاب است.



جز این‌ها، کسانی دیگر نیز هستند که در جنبش ادبی این عصر مقامی دارند، و همین عصر است که بدوران مشروطیت می‌پیوندند و ملک‌الشعراى بهار و ایرج میرزا و وثوق‌الدوله و امثال آنان را که بسیار کم هستند در تاریخ ادب این دوره جای و نام میدهد. در بازگشت ادبی و شاعران قرن سیزدهم، کتاب‌ها می‌توان نوشت، و من‌بند از عرض این مختصر در محضر بزرگان و استادان عظام شرمندگی بسیار دارم.

تصحیح

در مقاله فرهنگ ایران و مسأله استمرار در سر مقاله شماره قبل (آبان ماه) بعضی غلط‌های چاپی و افتادگی‌ها روی داده است که اینک مهمترین آنها یاد میشود - با پوزش از خوانندگان:

	سطر:	صفحه:
خواننده شود:		
ایجاد می‌کرده است -	۱۸	۴۵۰
چوب سدر	۵	۴۵۱
لاجورد از سند	۸	۴۵۱
زمینه نظامی بود و هم حتی در زمینه فرهنگی. در دربار	۷-۸	۴۵۲
یا آداب و عقاید قوم	۱۷	۴۵۲
نه فقط مایه	۲۴	۴۵۲
و نام فرمانروایان آنها دیگر	۱۹	۴۵۳
ایرانی را در آن یافته بودند؛ حتی خلافت عباسیان که	۱۸	۴۵۴
تشیع و مذاهب چهارگانه	۱۷	۴۵۵